

داغ بی تسلی

سیدشهیدان اهل قلم مرتضی اوینی

داغ های همه تاریخ را ما به یکباره دیدیم، چرا که ما امت آخرالزمانیم، و خمینی، این ماه بنی هاشم، میراث دار همه صاحبان عهد بود در شب یلدای تاریخ. در عصر ادبار عقل و فلک زدگی بشر، در زمانه غربت حق، در عصری که دیگر هیچ پیامبری مبعوث نمی شد و هیچ منذری نمی آمد خمینی میراث دار همه انبیا و اسباط ایشان بود و داغ او بر دل ما ، داغ همه اعصار ، داغی بی تسلی.

ما را این گمان نبود هرگز که بی او بمانیم. آخر او آیتی بود که «ثقلین» را در وجود خود معنا می کرد، همه «ماترک رسول الله» را، و ما می دانستیم که زمین و زمان می گردند تا انسان هایی چون او، هر هزار سال یکی، پای به دنیا گذارند. آخر آدم هایی چون او، قطب سنگ آسیاب افلاکند، مصداق حدیث «لو لاک» اند و غایت الغایات وجود و حق است اگر با رفتن زمین از رفتن باز ماند آسمان نیز ، خورشید سرد شود و ماه بشکافد و دریاها طغیان کنند و باران خون از آسمان ببارد و مومنین از شدت ماتم دق مرگ شوند، و اگر نبود آن حجت غایب، تو بدان، بی تردید که همان می شد. ما را این گمان نبود که بعد از او بمانیم، اما او رفت و زمین ماند و ما نیز بر زمین، در این پهنه بی منتهایی که عقل راه به جایی نمی برد. دریاها و زمین و آسمان و ماه و خورشید بر جای ماندند تا مقصود خمینی محقق شود، آن سان که بعد از رحلت آخرین فرستاده خدا نیز دور فلک بر جای ماند تا حقیقت وجود او را در جهان تحقق بخشد. آخر انسان هایی چون او که یک فرد نیستند، یک امت اند و یک تاریخ. کوران روز حشر در اینجا نیز کورند که: « من کان هذه اعمی فهو فی الاخره اعمی» و نمی بیند. آنان از کجا بدانند که کدام امر عظیم واقع شده است؟

نه آنگاه که امام آمد و نه امروز که رفته است. اگر نه، این ولی خدا برای آنان حجتی می شد تا صدق قصص انبیا را باور کنند و چون سحره فرعون در برابر این انقلاب به سجده درآیند که « انما برب موسی و هرون » اگر نه، این ولی خدا برای آنان حجتی می شد تا زهد و عدالت علی را باور کنند، حلم حسن را و شجاعت حسین را و این ولی خدا برای آنان حجتی می شد تا عظمت حق را و همه صفات خدایی را در وجودش بنگرد و انسان راه، همچون خورشیدی که نورش از ازلیت تا به ابدیت فرا گرفته است.

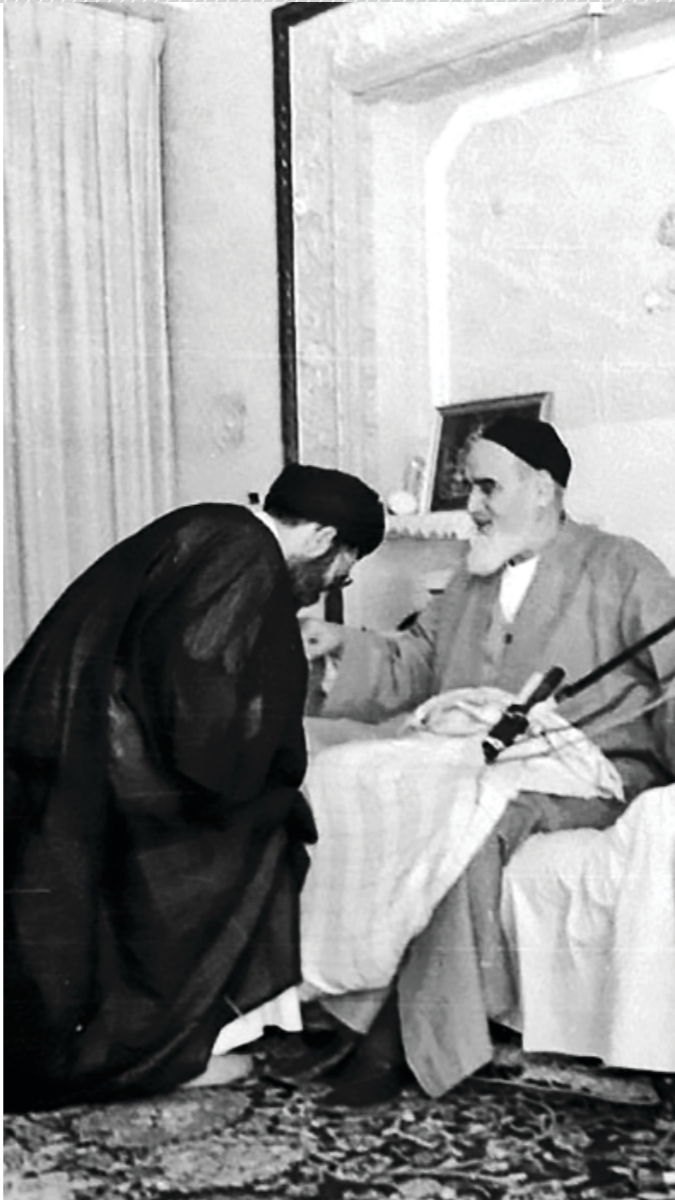
داغ های همه تاریخ را ما به یکباره دیده ایم. یک بار دیگر این رسول اکرم است که از دنیا رفته است، یک بار دیگر این علی است که به شهادت رسیده است، یک بار دیگر این فاطمه است و حسن است وحسین است که ما را داغدار کرده اند، یک بار دیگر این مهدی است که در حجاب غیبت رفته است. دست ما اگر به نخل بلند وجود او نمی رسد، دست خمینی که می رسید. او آمد تا معنای «انتظار» را به این امت بیاموزد، در آینه وجود خود که اسوه مصادیق منتظران بود، و اکنون دیگر دور افلاک را مرادی نیست جز آنکه منتظر مهدی باشد. امام به ما آموخت که «انتظار در مبارزه است» و این بزرگترین پیام او بود، و پس از او، اگر باز هم امیدی ما را زنده می دارد همین است که برای ظهور آخرین حجت حق مبارزه کنیم. امام ما را آموخت که « عرفان را با مبارزه جمع کنیم» و خود بهترین شاهد بود بر این مدعا که عرفان عین مبارزه است، و از این پس دیگر چه داعیه ای می ماند برای آنان که عرفان را به مثابه امری کاملاً شخصی بهانه واماندگی خویش می گرفتند؟ او کتاب و سنت را در وجود خویش تفسیر کرد و مجهولات شریعت و طریقت را با مفتاح مبارک حیات خویش گشود و ما می دانستیم که جهاد اصغر شرط لازم جهاد اکبر است و اولیای مقرب خدا در تمام طول تاریخ همواره بر همین شیوه زیسته اند.

..امام رفت و زمین ماند و ما نیز بر زمین ماندیم با داغ جراحی سخت بر دل و باری سنگین بر دوش . امام رفت تا بار تکلیف ما برگردد عقل و اختیارمان بار شود و همان سان که سنت لایتغیر خلقت بوده است، چرخه بلیات ما را نیز به میدان کشد و آزموده شویم و این آیت ربانی درست درآید که « لنبولنکم حتی نعلم المجاهدین منکم و الصابین»

اکنون ،این ماییم و امانت او . دست بیعت از آستین اخلاص برآریم و در کف فرزند و برادرش و تلمیذ مدرسه اش بگذاریم که اگر بعد از رحلت رسول الله، ظهر حکومت اسلام به غروب خونین شهادت حسین بن علی و «شب بی قمر غیبت» انجامید ، این بار امام فرصت یافت تا وثیقه حکومت را به معتمدین خویش بسپارد و این خود نشانه ای است بر این بشارت که خداوند اراده کرده است تا حزب الله و مستضعفین را به امامت و وراثت زمین برساند.



به دلیل تحریم شرکت آمریکایی و امتناع از ارائه ی خدمات دامنه ی وبسایت به کشور ایران و نیز عدم همکاری مناسب برای انتقال دامنه ، نشانی YARAN.INFO فعلا در دسترس نمی باشد. لطفا تا رفع این مشکل جهت مراجعه به وبسایت یاران خمینی(ره) از نشانی ZOAJEH.IR استفاده نمایید.



دوران امام خمینی

با انقلاب اسلامی در ایران و با تشکیل نظام اسلامی در این نقطه ی از عالم و با مبارزات طولانی یی که ملت ما پشت سر رهبر عظیم الشانش، برای حفاظت از انقلاب و اسلام انجام داد، عصر جدیدی با خصوصیات متمایز با دوران قبل، در عالم به وجود آمد. قدرتهای مادی دنیا، چه بخواهند و چه نخواهند؛ امریکا چه بخواهد و چه نخواهد، این دوران در دنیا آغاز شده و پیش هم رفته است و تأثیرات این عصر جدید، روی ملتها و دولتهای ضعیف و نیز روی دولتهای قوی و ابرقدرت ها محسوس است.

وقتی عصر جدیدی در تاریخ بشر آغاز می شود، هیچ کس نمی تواند خود را از تأثیرات آن عصر برکنار بدارد. دوران گذشته ی تاریخ بشر هم همین طور بوده است. هیچ کس ممکن نیست خودش را از تأثیرات دورانی که با پایه های محکم الهی و انسانی در جهان شروع شده، دور بدارد. ما می خواهیم این را اعلام بکنیم. اگرچه بسیاری از ملتها و دولتهای سطح زمین، تحت تأثیر این عصر جدید قرار گرفتند، حتی نقشه ی سیاسی دنیا عوض شده است، اما توقع نداریم که تحلیل گران و قضاوت کنندگان قدرتمند و سیاسی عالم اقرار کنند که این عصر آغاز شده است. آن ها اعتراف نمی کنند که دوران جدیدی آغاز شده است؛ اما تحت تأثیر این دوران قرار گرفته اند و آن را احساس می کنند. این عصر و این دوران جدید را باید «دوران امام خمینی» نامید.

بیانات در اولین سالگرد امام خمینی-۶۹/۳/۱۴

ره نمود

مظهر تجدید حیات ملت ایران

امام بزرگوار ما مظهر تجدید حیات تاریخی ملت ایران است. ملت ایران در طول قرنهای متمادی گذشته که اگر خیلی هم به قدیم نرویم، در همین قرنهای اخیر محکوم حاکمیت کسانی بود که اساس حکومت و مشروعیت آن ها مَتکی به زور بود؛ با زور و با راه انداختن کشتارها و حوادث خونین، بر سر کار می آمدند. حکام این کشور، مدّتی را با جَبّاریت و استبداد و خودکامگی، زندگی می کردند... بعد هم که از دنیا می رفتند، وژات آن ها فرزند آن ها، برادر یا برادرزاده ی آن ها بدون هیچ استحقاقی بر سر کار می آمدند؛ بدون اینکه مردم، هیچ نقشی در گزینش، در انتخاب و در خواستن و پذیرفتن و پسندیدن آن ها داشته باشند. ملت ایران، قرن ها این گونه زندگی کرده بود... امام بزرگوار، با فکر روشن و منش خردمندانه ی خود، با اراده و تصمیم قوی و قاطع خود، با روحیات و خصلتهای والای انسانی خود و با تعبّد و ایمان حقیقی به دین که در وجود او بود با این چند خصوصیت ممتاز توانست انعکاس دهنده ی آرزوهای مردم شود و فریاد مردم، ندا و خواست مردم را تجسّم و تبلور ببخشد. وقتی که مردم خواستهای خود را در وجود این مرد و در پیام او منعکس دیدند، به دنبال او حرکت کردند. این موج خروشان و این دریای عظیم و توفانی، توانست کارهای بزرگی بکند و ملت را از آن وضعیت نجات داد.

پیام نوروزی سال ۷۸

شرط موفقیت در این مسیر

امروز ملت ایران در دنیا ملت عزیزی است و در درون خود احساس توانایی و اقتدار و عزّت می کند. ملت ایران از تحقیر قدرتهای بزرگ و ظالم و سلطه گران خود را نجات داد. ملت ایران در مسیر ایجاد زندگی خوب و مطلوب و حیات طَیّبه قرار گرفت. البته این مسیر، به سرعت و بی مانع طی نمی شود؛ اما اگر ملت ایران و برگزیدگانش یعنی مسئولان کشور با همان خصوصیات که امام بزرگوار ما مظهر آن بود، یعنی فکر روشن و روش خردمندانه، سپس اراده و تصمیم و عزم راسخ و قاطع و آن گاه خَلقِیات انسانی و والا و بالاخره تدبّین و تعبّد و ایمان دینی و اعتقاد راسخ به ارزشهای اسلامی و قرآنی که این چهار خصوصیت، چهار خصوصیت ممتاز امام و راه امام بوده و این شاء الله خواهد بود در همین مسیر حرکت کنند، این شاء الله به اهداف بزرگ خواهند رسید.

پیام نوروزی سال ۷۸

باش تا صبح دولتش بدمد

یک نفر یک تنه وارد میدان شد؛ با جاذبه های عظیمی که خدای متعال به برکت خصوصیات ذاتی و اکتسابی در او قرار داده بود، دل ها را مجذوب خود کرد؛ دستها و پاها را به حرکت وادار کرد؛ مغزها را به اندیشیدن انداخت و این حرکت عظیم را در اینجا، و نهضت عظیم جهانی و بیداری اسلامی را در دنیا به وجود آورد: «باش تا صبح دولتش بدمد ، کاین هنوز از نتایج سحر است». بعد از این، راه امام و حکمت امام و مکتب امام و تفکّر امام، در دنیا نقش ها خواهد آفرید و نسل ها آن را آزمایش خواهند کرد.

بیانات در خطبه های نماز جمعه ۹/۷/۷۸

پیروزی در گرو عمل به توصیه های امام

ارادت مردم به امام بزرگوار، به معنی پذیرش مکتب امام به عنوان راه روشن و خط روشن حرکت عمومی و همگانی ملت ایران است؛ یک راهنمای نظری و عملی است که کشور و ملت را به عزت و پیشرفت و عدالت میرساند. در طول این سی و دو سال گذشته، عملاً هم همین بوده است. یعنی هر جا ما توفیق پیدا کردیم که به توصیه های امام جامعه ی عمل ببوشانیم، هر جا توانستیم خط انگشت اشاره ی امام را دنبال کنیم، توفیقات فراوانی نصیب ما شد. مردم با این چشم، به راه امام و خط امام و میراث ماندگار امام نگاه میکنند. در این سی سال، ملت ما توانسته است در مقابل سنگین ترین توطئه ها ایستادگی کند. علیه ملت ایران توطئه ی نظامی بود، توطئه ی امنیتی بود، توطئه ی اقتصادی بود - این تحریمهای گسترده در طول این سی سال وجود داشته است - توطئه ی تبلیغاتی بود - امپراتوری گسترده ی رسانه ای و تبلیغات، علیه ملت ایران به طور کامل مشغول کار و تحریک بوده است - توطئه ی سیاسی بود. ملت ایران به برکت مکتب امام و راه امام، در مقابل این توطئه ها ایستادگی کرد.

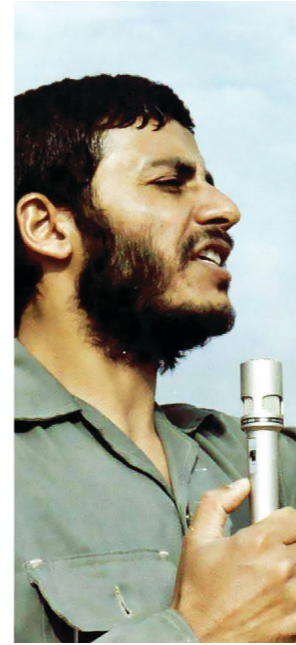
بیانات در ۲۲امین سالگرد امام خمینی ۱۴/۳/۹۰

داغ بی تسلی

مظهر تجدید حیات ملت ایران
باش تا صبح دولتش بدمد
عصر امام خمینی (ره)
نباید حرف امام زمین بماند



نباید حرف امام زمین بماند



همه جا دود و آتش است. انفجار پشت انفجار، گلوله پشت گلوله. زمین از موج انفجار مثل گهواره، تکان می خورد. آسمان جزایر را به جای ابر، دود فرا گرفته... و هوای جزایر را به جای اکسیژن، گاز شیمیایی.

حاج همت پس از هفت شبانه روز بی خوابی، پس از هفت شبانه روز فرماندهی، حالا شده مثل خیمه ای که ستونهایش را کشیده باشند. نه توان ایستادن دارد و نه توان نشستن و نه حتی توان گوشی بیسیم به دست گرفتن. حاج همت لب می جنباند؛ اما صدایش شنیده نمی شود. لب های او خشکیده، چشمانش گود افتاده. دکتر با تأسف سری تکان داده، می گوید: «این طوری فایده ای ندارد. ما داریم دستی دستی حاج همت را به کشتن می دهیم. حاجی باید بستری شود. چرا متوجه نیستید؟ آب بدنش خشک شده. چند روز است هیچی نخورده...»

سید آرام می گوید: «خوب، سرم دیگر وصل کن.»
دکتر با ناراحتی می گوید: «آخر سرم که مشکلی را حل نمی کند. مگر انسان تا چند روز می تواند با سرم سرپا بماند؟»
سید کلافه می گوید: «چاره دیگری نیست. هیچ نیرویی نمی تواند حاج همت را راضی به ترک جبهه کند.»
دکتر با نگرانی می گوید: «آخر تا کی؟»
- تا وقتی نیرو برسد.
- اگر نیرو نرسد، چه؟
سید بغض آلود می گوید: «تا وقتی جان در بدن دارد.»
- خوب به زور ببریمش عقب.
- حاجی گفته: هر کس جسم زنده مرا ببرد پشت جبهه و مرا شرمنده امام کند، مدیون است... سرپل صراط جلویش را می گیرم.
دکتر که کنجکاو شده، می پرسد: «مگر امام چی گفته؟»
حاج همت به امام خمینی فکر می کند و کمی جان می گیرد. سید هنوز گوشی بیسیم را جلوی دهان او گرفته. همت لب می جنباند و حرف امام را تکرار می کند: «جزایر باید حفظ شود. بچه ها حسین وار بجنگید.»
وقتی صدای همت به منطقه نبرد مخابره می شود، نیروهای بی رمق دوباره جان می گیرند. همه می گویند: نباید حرف امام زمین بماند.

نقل از کتاب ساکنان ملک اعظم. خاطرات سردار شهید محمود کاوه.

گرگم به هوا، لی لی، آک دولک...!

شعار سال



اسباب بازی رایج بچه های آمریکاها که پدربزرگ ما در این کارند، الان پیشیمانند، در آن درمانده اند که چه کار کنند. ما بچه های خودمان را که آک دولک بازی می کردند که تحرک داشت و خوب بود، گرگم به هوا بازی می کردند که کار بسیار خوبی بود و ورزش بود و بازی و سرگرمی بود، یا این چیزی که خط کشی می کنند و لی لی می کنند - بازی بچه های ما اینها بود - آورده ایم نشانده ایم پای اینترنت، نه تحرک جسمی دارند، نه تحرک روحی دارند، و ذهنشان تسخیر شده به وسیله ی طرف مقابل. خوب بیاید بازی تولید کنید، بازی ترویج کنید، همین بازی هایی که بنده حالا اسم آوردم و دوتا از این قبیل بازی [که] بین بچه های ما از قدیم معمول بوده را ترویج کنید؛ [این] یکی از کارها است، اینها را ترویج کنید. ما همه اش نباید نگاه کنیم ببینیم که غربی ها از چه جور بازی ای حمایت می کنند، ما هم از همان بازی حمایت بکنیم. خوب حالا من نمیخواهم راجع به بعضی از این ورزشها چیزی بگویم، اما خوب ما خیلی کارهای خوب داریم که مال ما است؛ من [قبلاً] گفتم، چوگان مال ما است، دیگران به اسم خودشان کردند؛ [خب] این را ترویج کنید؛ ورزش باستانی یک ورزش زیبا و هنری است، خوب این را ترویج کنید؛ اینها را پیش ببرید و ترویج کنید که بچه ها [سراغ اینها] بروند. بچه های ما - نوه های بنده - اسم بازیکنان و ستاره های فوتبال دنیا را خیلی خوب بلدند، یکی یکی همین طور مکرر اسم اینها را می آورند؛ این طرفدار این است، آن طرفدار آن است، لباس نمیدانم فلان تیم فرنگی را این می پوشد، آن یکی لباس تیم دیگر را می پوشد، اما اسم مثلاً فرض کنید که فلان دانشمند معاصر خودشان را نمی شناسند؛ اسم بیابوری نمی شناسند کیست؛ خوب اینها بد است.